

هر خطاب الهی که از روی عتابست ولو بظاهر بانبیاست

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



هر خطاب الهی که از روی عتابست حضرت عبدالبهاء ، محاضرات جلد ۱ صفحه ۹۰

حضرت عبدالبهاء میفرمایند.

"هر خطاب الهی که از روی عتابست ولو بظاهر بانبیاست ولی بحقیقت آن خطاب توجه بامت دارد و حکمتش محض شفقت است تا امت افسرده و دلگیر نگردد و خطاب و عتاب گران نیاید لهذا بظاهر خطاب به انبیاست پس هرچند بظاهر خطاب بنی است ولی در باطن بامت است نه پیغمبر و از این گذشته پادشاه مقتدر مستقل اقلیمی عبارت از جمیع است یعنی آنچه گوید قول کل است و هر عهدی بنیاید عهد کل چه که اراده و مشیت عموم اهالی فانی در اراده و مشیت اوست بهیچنین هر پیغمبر عبارت از هیئت عمومی امت است لهذا عهد و خطاب الهی باو عهد و خطاب با کل امت است و اغلب خطاب زجری و عتاب بر ملت قدری گران آید و سبب انکسار قلوب گردد لهذا حکمت بالغه چنان اقتضا کند و این از نفس تورات معلوم است که بنی اسرائیل مخالفت کردند و حضرت موسی گفتند که ما نمیتوانیم با عمالقه جنگ نمائیم زیرا قوی و شدید و شجاعند خدا موسی و هارون را عتاب فرمود و حضرت موسی در نهایت اطاعت بود نه عصیان تا آنکه میفرماید مثلاً در تورات در کتاب اشعیا در باب ۴۸ در آیه ۱۲ میفرماید ای یعقوب و ای دعوت شده من اسرائیل بشنو من او هستم من اول هستم و آخر هستم این معلومست که مراد یعقوب که اسرائیل است نبوده مقصود بنی اسرائیلست و همچنین در کتاب اشعیا در باب ۴۳ در آیه اول میفرماید و الان خداوند که آفریننده تو ای یعقوب و صانع تو ای اسرائیل است چنین میگوید مژس زیرا که من تورا فدیه دادم و تو را باسنت خواندم پس تو از آن من هستی و از این گذشته در سفر اعداد در تورات در باب ۲۰ آیه ۲۳ میفرماید خداوند موسی و هارون را در کوه هور نزد سرحد زمین ادم خطاب کرده گفت هرون بقوم حور خواهد پیوست زیرا شما نزد اب مریبه از قول من عصیان ورزیدید از این جهت او بزمنی که به بنی اسرائیل دادم داخل نخواهد شد و در آیه سیزدهم میگوید اینست اب مریبه جائیکه بنی اسرائیل با خدا خصمه کردند و او خود را در میان ایشان تقدیس نمود. ملاحظه نمائید عصیان را بنی اسرائیل نمودند لکن بظاهر عتاب موسی و هرون شد چنانکه در باب سوم آیه ۲۶ از تورات تشبیه میفرماید "خداوند بخاطر شما با من غضبناک شد مرا اجابت نمود و خداوند مرا گفت تو را کافیتس بار دیگر در باره این امر با من سخن مگو" حالا این خطاب و عتاب فی الحقیقه بامت اسرائیل است که بجهت عصیان امر الهی مدت مدیده در صحرائی تیه آن سمت اردن گرفتار بودند تا زمان یوشع علیه السلام حال این خطاب و عتاب بظاهر بحضرت موسی و هرون بود لیکن فی الحقیقه بامت اسرائیل و هم چنین در قرآن خطاب به حضرت محمد میفرماید "انا فتحنا لک فتحا مینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر" یعنی ما برای فتحی آشکار نمودیم تا گاهان پیشین و پسین تو را پیامرزم حال این خطاب هرچند بظاهر بحضرت محمد بود ولیکن فی الحقیقه این خطاب بعموم ملت و این محض حکمت بالغه الهیه است چنانچه گذشت تا قلوب مضطرب نگردد و مشوش و منزجر نشود چه بسیار که انبیای الهی و مظاهر ظهور کلی در مناجات اعتراف بقصور و گناه نموده اند این من باب تعلیم بسایر نفوس است و تشویق و تحریص بر خضوع و خشوع و اعتراف بر گناه و قصور والا ان نفوس مقدسه پاک از هر گناهد و منزّه از خطا مثلا در انجیل میفرماید که شخصی بحضور حضرت مسیح آمد عرض کرد ای معلم نیکوکار حضرت فرمودند چرا مرا نیکوکار گفتی زیرا نیکوکار یکبست و ان خداست حالا مقصد این نیست که حضرت معاذ الله گناه کار بودند بلکه مراد تعلیم خضوع و خشوع و سجدت و شرمساری بان شخص مخاطب بود این نفوس مبارکه انوارند نور با ظلمت جمع نشود حیانتد حیات با ممات مجتمع نگردد هدایت با ضلالت جمع نشود حقیقت اطاعتند اطاعت با عصیان مجتمع نگردد باری مقصود اینستکه خطاب از روی عتاب در کتب مقدسه هرچند بظاهر بانبیاست یعنی مظاهر الهیه ولی بحقیقت مقصد امت است و چون در کتاب مقدس تتبع نمائی واضح و آشکار گردد والسلام

انتی.



ORIGINAL